



أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿وَالْفَجْرِ (۱) وَلَيَالٍ عَشْرٍ (۲) وَالشَّفْعِ وَالْوَتْرِ (۳) وَاللَّيْلِ إِذَا يَسْرِ (۴) هَلْ فِي ذَلِكَ قَسَمٌ لِّذِي حِجْرِ (۵) أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِعَادٍ (۶) إِرَمَ ذَاتِ الْعِمَادِ (۷) الَّتِي لَمْ يُخْلَقْ مِثْلُهَا فِي الْبِلَادِ (۸) وَثَمُودَ الَّذِينَ جَابُوا الصَّخِرَ بِالْوَادِ (۹) وَفِرْعَوْنَ ذِي الْأَوْتَادِ (۱۰) الَّذِينَ طَعَوْا فِي الْبِلَادِ (۱۱) فَأَكْثَرُوا فِيهَا الْفُسَادَ (۱۲) فَصَبَّ عَلَيْهِمْ رَبُّكَ سَوْطَ عَذَابٍ (۱۳) إِنَّ رَبَّكَ لَبَالْمُرْصَادِ (۱۴) فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَنَعَّمَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنِ (۱۵) وَأَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَهَانَنِ (۱۶) كَلَّا بَلْ لَا تُكْرِمُونَ الْيَتِيمَ (۱۷)﴾

سوره مبارکه «فجر» همان طور که ملاحظه فرمودید در مکه نازل شد و «علم بالغلبه» آن هم فجر است و تناسب

آن هم همان کلمه ﴿وَالْفَجْرِ﴾^۱ی که در آغاز این سوره آمده است و گر نه این علم رسمی این سوره نیست.

ذات اقدس الهی در قرآن به اموری سوگند یاد کرده است؛ قبلاً هم ملاحظه فرمودید که سوگند خدا برای تضمین صدق خبر خود نیست، سوگند خدا به برهان مسئله است؛ وقتی خدا سوگند یاد می‌کند ما را هدایت می‌کند به

استدلال و تعلیل و تمسک به علت مسئله نظیر همان آغاز سوره مبارکه «یس» که فرمود: ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ

الرَّحِيمِ يَس * وَالْقُرْآنَ الْحَكِيمِ * إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ﴾^۱ قسم به این قرآن تو پیغمبر هستی. قسم به قرآن مثل

اینکه کسی در روز برای نابیناها یا برای کسانی که در اتاق تاریک به سر می‌برند بگوید قسم به این آفتاب الان

روز است! او به دلیل قسم خورده است نه به چیزی دیگر. قسم خدا به برهان مسئله است نه به چیزی دیگر؛ لذا می‌فرماید این کار برای عاقل‌ها اثر دارد کسی که اهل علم است می‌فهمد قرآن چه دلیلی است بر نبوت پیغمبر. آن کسی که اهل استدلال است می‌داند که قرآن برای نبوت پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) مثل آفتاب برای روز است آفتاب نسبت به روز چیست؟ دلیل روز است. آفتاب است که روشنی روز را تأمین می‌کند. اگر کسی به آفتاب قسم بخورد که الآن روز است، او به دلیل قسم خورده است اگر کسی قسم بخورد به قرآن که پیغمبر رسول خداست به دلیل قسم خورده است؛ تمام قسم‌های قرآن هم همین طور است لذا فرمود شما حجر و عقل و استدلال داشته باش، می‌فهمی خدا این نظام را برای هر کسی خلق نکرده است و بعد از این سوگندها فرمود اگر کسی حجر داشته باشد عقل داشته باشد اهل برهان باشد می‌داند قسم، قسم سنگینی است ما به نظم عالم قسم خوردیم؛ نظم عالم که برای هر انسان یاوه‌گو نیست. عالم خلق شده است برای انسان، نه برای ﴿إِنَّ هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ﴾^۱ بعد می‌فرماید آنهایی که بیراهه رفتند یا راه کسی را بستند ما راهشان را می‌بندیم و مهم‌ترین آنها را هم اسم می‌برد؛ بعد می‌فرماید مبدا بگویند که این گذشته است چند قرن گذشت نخیر، نقد روز است.

یک وقت است کسی می‌گوید که حالا قصه نوح درباره چند سال قبل است عاد و ثمود چند سال قبل است حالا این طور اتفاق نمی‌افتد مردم آن روزگار عوض شدند زمان گذشت وضع عوض شد، نخیر! آن‌که در کمین است الآن هم هست برهان مسئله این است که ﴿إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمُرْصَادِ﴾ مردم این کار را کردند، وضع زمانه عوض شد اینها در امور سنت‌های جاری خود ماست؛ اما نسبت به کل نظام کسی بیراهه برود یا راه کسی را ببندد ﴿إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمُرْصَادِ﴾، مبدا کسی بگوید قصه نوح گذشت، عاد گذشت ثمود گذشت. اگر جناب سعدی می‌گوید:

این همان چشمه خورشید جهان افروزست *** که همی تافت بر آرامگه عاد و ثمود^۱

او نمی خواهد بگوید که گذشته گذشت، نخیل نقد روز است. برهان قرآن کریم این است که مبدا بگویند که آن تاریخ گذشت آن مردم گذشتند آن دوران گذشت نخیل، آن که کار دست اوست الآن حاضر است؛ آن که کار دست او بود پهلوی را برداشت الآن کار دست اوست او الآن هم می تواند با استکبار و صهیونیسم همان کاری را بکند که دیروز برای پهلوی کرد برهان مسئله این است؛ اگر کسی «ذی حجر» باشد عاقل باشد عالم باشد حکیم باشد می فهمد ما چه می گوییم برای همین است؛ آن که کار به دست اوست الآن هم در کمین است.

یک وقت است می فرماید که خدا غافل نیست بلکه علیم است می بیند ﴿وَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ غَافِلًا عَمَّا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ﴾^۲ خدا غافل نیست؛ خدا غافل نیست یعنی صبر می کند فقط «یوم القيامة» انتقام بگیرد؟! آن یک مرحله است، اما برهان مسئله این است که ﴿إِنَّ رَبَّكَ لَبَالِمُرْصِدٍ﴾^۳ در کمین است رصد می کند؛ این اصل کلی است.

این «لیالی عشر» مستحضرید که در بعضی از روایات یا در بعضی از تطبیقات به دهه فجر و به دهه پربرکت اول ذی حجه که پایان بخش آن اربعین کلیمی (سلام الله علیه) است آنها که اهل چله گیری هستند از اول ذی قعدة شروع می کنند تا دهم ذی حجه؛ این چهل شب و چهل روز وجود مبارک کلیم الهی مهمان خدا بود. نه غذایی خورد نه خوابید، نه آبی خورد چهل شبانه روز «یا الله یا الله» این چه مناجاتی است؟! این اربعین کلیمی برای کسانی که چله گیر هستند منشأ برکت است. این دهه ذی حجه که از اول ذی حجه تا شب دهم، آن دو رکعت نماز را بعد از نماز مغرب و نافله مغرب دارد که سوره مبارکه «فاتحة الكتاب» است و سوره مبارکه ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ﴾^۴ است بعدش

۱. رک: دیوان سعدی، غزلیات، غزل ۲۶.

۲. سوره ابراهیم، آیه ۴۲.

۳. سوره اخلاص، آیه ۱.

﴿وَوَاعَدْنَا مُوسَى﴾^۱ است این آیه است. این آیات و دهه ذی حجه در مدینه نازل شد، دهه ذی حجه به برکت همان جریان حج است. وقتی حج در مدینه آمد ذی حجه حکم آن در مدینه آمد در مکه که این حرف‌ها نبود؛

لکن این «لیالی عشر» نزد مردم مکه معروف بود که می‌شناختند، نمی‌پرسیدند که این «لیالی عشر» چیست!

کلیات آن ﴿وَالْفَجْرِ﴾ سوگند به برهان است، این ﴿وَاللَّيْلِ إِذَا يَسْرِ﴾؛ چون ﴿إِنْ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْأً وَ أَقْوَمُ قِيلاً﴾^۲ برهان کلی است برای همه است ﴿وَاللَّيْلِ إِذَا يَسْرِ﴾ به پایان شب! یا ﴿وَالْفَجْرِ﴾ قضایای کلی است برهان عقلی است؛ اما این لیالی عشر که نکره آورده برای اینکه ده شب هر چه بود معروف بود نزد آنها محترم بود و چه اتفاقی در آن ده شب افتاده که ذات اقدس الهی به آن سوگند یاد می‌کند؟ اینکه درباره ستاره‌ها که قسم یاد کرد ﴿فَلَا أُقْسِمُ بِمَوَاقِعِ النُّجُومِ * وَإِنَّهُ لَقَسَمٌ لَوْ تَعْلَمُونَ عَظِيمٌ﴾^۳ به برهان مسئله اشاره می‌کند؛ این نظم دقیق خلق نشده برای اینکه هر کسی دلش می‌خواهد هر کاری بکند بکند!

بنابراین مهم‌ترین رخدادها تلخ تاریخ را ایشان می‌شمارد. جریان نوح (سلام الله علیه) که یک پدیده جهانی بود تنها جایی که قرآن کریم جهانی بودن آن را ذکر می‌کند جریان حضرت نوح است فرمود: ﴿سَلَامٌ عَلَى نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ﴾^۴ شما درباره سلسله انبیا و اولیا (علیهم السلام) که قرآن ذکر می‌کند این لقب را نمی‌بینید فقط درباره نوح است سلام جهانی بر نوح که «شیخ الانبیاء» است. درباره ﴿سَلَامٌ عَلَى إِبْرَاهِيمَ﴾^۵ ﴿سَلَامٌ عَلَى مُوسَى وَ هَارُونَ﴾^۶ ﴿إِنَّا كَذَلِكَ﴾^۷ اینها مقید است «سلام علی کذا و کذا» این «سلام الله علیهم» است. ولی وقتی به نوح می‌رسد ﴿سَلَامٌ

۱. سوره اعراف، آیه ۱۴۲.

۲. سوره مزمل، آیه ۶.

۳. سوره واقعه، آیات ۷۵ و ۷۶.

۴. سوره صافات، آیه ۷۹.

۵. سوره صافات، آیه ۱۰۹.

۶. سوره صافات، آیات ۱۲۰ و ۱۲۱.

عَلَى نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ ﴿﴾ تنها جایی که سلام جهانی می‌فرستند وجود مبارک نوح است؛ ۹۵۰ تلاش و کوشش کرد نه اینکه عمرش ۹۵۰ سال باشد ۹۵۰ سال رسالت داشت؛^۱ عمر او که خیلی بیش از این بود. او تمام تلاش و کوشش را کرد و استحقاق این را هم از طرف ذات اقدس الهی دریافت کرد.

البته این تعبیر ﴿فِي الْعَالَمِينَ﴾ در جریان مسیح (سلام الله علیه) و مادرش دوتایی باهم می‌شود: ﴿آيَةً لِلْعَالَمِينَ﴾ ﴿وَجَعَلْنَاهَا وَابْنَهَا آيَةً لِلْعَالَمِينَ﴾ این آیت جهانی است این دو با هم، مادری بی‌همسر مادر بشود، پسری بدون پدر به دنیا بیاید این یک امر جهانی است نه سابقه داشت نه لاحق. ﴿وَجَعَلْنَاهَا وَابْنَهَا﴾ این دو تا باهم ﴿آيَةً لِلْعَالَمِينَ﴾. اینها کارهای جهانی است.

غیر از اینها را ذات اقدس الهی مقطعی یاد می‌کند؛ اما می‌فرماید در روزگار خودشان کم‌نظیر بودند: ﴿إِرمَ ذَاتِ الْعِمَادِ * الَّتِي لَمْ يُخْلَقْ مِثْلُهَا فِي الْبِلَادِ﴾^۲ اینها ستون‌های سنگین حجری داشتند از کجا اینها را می‌آوردند شما نمی‌دانید. بعضی‌ها قدرتش را روی صنعت بیان کرده که فرمود: ﴿الَّذِينَ جَاءُوا الصَّخْرَ بِالْوَادِ﴾؛ در بخش‌هایی دیگر هم فرمود: ﴿وَتَنْحِتُونَ مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا فَارِهِينَ﴾^۳ اینها صنعت است نه قدرتی که انسان از راه‌های دور؛ نظیر اهرام مصر سنگ‌ها را بیاورد. فرمود اینها این کار را می‌کردند هم تراش سنگ‌های سنگین بلند از دامنه‌های کوه‌های سنگین و سر به فلک کشیده کار آنها بود که ﴿لَمْ يُخْلَقْ مِثْلُهَا فِي الْبِلَادِ﴾، هم ساختن این اهرام و مانند آن. فرمود اینها هم در صنعت و هم در حمل و نقل، در صنعت کم‌نظیر، در حمل و نقل کم‌نظیر ﴿إِرمَ ذَاتِ الْعِمَادِ * الَّتِي لَمْ يُخْلَقْ مِثْلُهَا فِي الْبِلَادِ﴾ این خلقت به این معنا که صنعت بر این هم صادق است.

۱. سوره عنکبوت، آیه ۱۴: ﴿إِلَى قَوْمِهِ فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا﴾.

۲. سوره فجر، آیات ۷ و ۸.

۳. سوره شعراء، آیه ۱۴۹.

چند نمونه را ذکر می‌کند ﴿إِرَمَ ذَاتِ الْعِمَادِ﴾ که قصه قوم هود بود، قوم ثمود را ذکر می‌کند؛ بعد هم جریان فرعون را «ذو الأوتاد» مقتدر قهّاری که هم داعیه ربوبیت داشت هم داعیه الوهیت داشت و هم میخکوب می‌کرد کسانی که مخالف سیاست او بودند؛ این دو سه گروه را نقل می‌کند. ولی عمده آن است که فرمود مبادا کسی بگوید این دوران گذشت؛ مگر مردم یک دوران جمع شدند قیام کردند انقلاب کردند، عاد و ثمود را کنار گذاشتند؟ مگر مردم قیام کردند فرعون را کنار گذاشتند. فرمود ما این را انداختیم دریا همین! ما الآن در کمین هستیم.

این ﴿إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمِرْصَادِ﴾ به همه عاد و ثمود و فرعون‌های عصر اعلام خطر می‌کند و غرض این است که مؤمنین هم باید خوشحال باشند به هر حال کسی در کمین ترامپ و امثال ترامپ است که «همی تافت بر آرامگه عاد و ثمود» این طور است؛ هیچ وقت جامعه اسلامی نباید ناامید باشد، نباید بگوید که اینها این قدرت را دارند. اینها قدرتشان را نسبت به ذات اقدس الهی که می‌سنجد فرمود: ﴿إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمِرْصَادِ﴾. پس هم آن قسم‌ها، قسم به برهان است، فقط عقلا می‌فهمند و صاحب‌نظران و منجمان و ریاضیدان‌ها می‌فهمند که چه خبر است ﴿هَلْ فِي ذَلِكَ قَسَمٌ لِّذِي حِجْرٍ﴾ کسی که دانشمند است می‌داند که ما به این ستاره‌ها قسم می‌خوریم یعنی چه؟ چقدر کار سنگین عمیق علمی است تا انسان اینها را تنظیم بکند رهبری بکند؛ با یک مشت دود شمس و قمر درست کند! ﴿ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ دُخَانٌ﴾^۱ این هفت آسمان را با یک مشت گاز درست کرد. از نور، شمس درست نکرد از نور قمر درست نکرد نور آفرید؛ دخان کجا شمس کجا! این یک چراغ است که روشن شد کل زمین را در روز روشن می‌کند؛ اصلاً کل روشنی کره خاک به وسیله همین شمس است فرمود حواس شما جمع باشد ما این طور نبود که از جای دیگر مثلاً نور خلق کردیم نخیر! همین دخان را همین موادّ اولیه تاریک و دودزا را ما شمس و قمر کردیم

پاسخ: اینها که مادی هستند؛ اما یک کارهای تدبیری است در بحث‌های «سماء» گذشت که «هیئنا امور ثلاثه»: یکی نظم ریاضی است که با رصدخانه‌ها حل می‌شود همین! که انسان اگر کارهای فیزیکی بکند کارهای نجومی بکند هیوی بکند، تاحدودی می‌تواند اینها را رصد بکند و پی ببرد از حرکت اینها، از شمس و قمر، از طلوع و غروب اینها از خسوف و کسوف اینها. آسمان‌هایی است که ﴿وَفِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ﴾^۱؛ یکی؛ درهای آن آسمان هرگز به روی کفار باز نمی‌شود ﴿لَا تُفْتَحُ لَهُمْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ﴾^۲، این دو تا؛ و دعای مردان الهی به آنجا می‌رسد، این سه تا؛ که این حدیث نورانی که جزء غرر روایات ما است به تعبیر سیدنا الأستاذ مرحوم علامه طباطبائی (رضوان الله علیه) همیشه است. وقتی گروهی را از شام فرستادند خدمت حضرت امیر که امتحان بکنند سؤال بکنند مسائل پیچیده را سؤال می‌کردند، وجود مبارک امام مجتبی هم کودکی بود آنجا نشسته بود. آن که از شام آمد سؤال کرد که بین آسمان و زمین چقدر فاصله است؟ حضرت ادعا داشت که «سَلُونِي قَبْلَ أَنْ تُفْقِدُونِي»^۳. وجود مبارک حضرت اشاره کرد به امام مجتبی (سلام الله علیه) که شما جواب بگو! وجود مبارک امام مجتبی این دو جمله نورانی را فرمود فرمود: «دَعْوَةُ الْمَظْلُومِ وَمَدُّ الْبَصَرِ»^۴؛ یعنی منظور شما اگر آسمان ظاهری است اینکه حدّ و پیمان خاص ندارد تا آنجا که چشم می‌بیند آسمان است؛ اگر آسمان معنوی منظور شما است دعای مظلوم و آه مظلوم است. آه مظلوم به آنجا می‌رود. آنجا که سؤال کردند «كَمْ بَيْنَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ»؟ فرمود: «مَدُّ الْبَصَرِ»، این جواب فیزیکی؛ «وَدَعْوَةُ

۱. سوره ذاریات، آیه ۲۲.

۲. سوره اعراف، آیه ۴۰.

۳. نهج البلاغة (للصّبحی صالح)، خطبه ۱۸۹.

۴. تحف العقول، النص، ص ۲۲۹.

الْمَظْلُوم» جواب متافیزیکی. برای اینکه مظلوم وقتی که دعا می‌کند فقط خدا را می‌خواهد چون دستگیره دیگری که ندارد.

آن بیان نورانی امام باقر (سلام الله علیه) که وصیت کرد گفت پدرم امام سجاد (سلام الله علیهم اجمعین) به من گفت که پدرم حسین بن علی (سلام الله علیهم اجمعین) آخرین وداعی که با من کرد، فرمود: «إِيَّاكَ وَظُلْمَ مَنْ لَا يَجِدُ عَلَيْكَ نَاصِراً إِلَّا اللَّهَ»^۱ آن آخرین وداع وجود مبارک سیدالشهداء با امام سجاد (سلام الله علیهما) که اسرار امامت را می‌سپرد، توحید توحید توحید! وگرنه نه آن پدر و نه این پسر، اهل این که نبودند. فرمود مبادا به کسی ستم بکنی که هیچ پناهی جز خدا ندارد! یک وقت است که کسی دادگاه را می‌شناسد دستگاه قضایی را می‌شناسد فامیلی دارد قبیله‌ای دارد حزبی دارد؛ این شخص وقتی مظلوم شد در ضمن اینکه به خدا پناه می‌برد به چند جا هم نگاه می‌کند دعوت او که دعوت توحیدی نیست. اما آن کسی که هیچ پناهی جز خدا ندارد او وقتی مورد ظلم که شد وقتی گفت «یا الله» یعنی «یا الله»! او را می‌خواهد؛ این دعا یقیناً مستجاب است، دعای موحد حتماً مستجاب است.

از همان جا در دوران کودکی، وجود مبارک امام مجتبی یاد گرفت؛ بعد این جمله را از آن حضرت نقل می‌کنند که فرمود: «أَنَا الضَّامِنُ لِمَنْ لَمْ يَهْجُسْ فِي قَلْبِهِ إِلَّا الرِّضَا أَنْ يَدْعُو اللَّهَ فَيُسْتَجَابَ لَهُ»^۲ من مستجاب الدعوه بودن بعضی‌ها را تضمین می‌کنم! اگر کسی در قلبش جز خدا چیزی نباشد اگر بگوید «یا الله»! جواب می‌شود؛ اما سرش این است که ما چندین مشکل داریم هم به دستگاه قضا نگاه می‌کنیم هم به دستگاه قدرت خودمان نگاه می‌کنیم هم به ایل و قبیله خودمان نگاه می‌کنیم در ضمن هم «یا الله» می‌گوییم!

۱. الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۲، ص ۳۳۱.

۲. الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۲، ص ۶۲.

اینکه فرمود: «وَدَعْوَةُ الْمَظْلُومِ» این همان آسمانی است که در آن به روی کفار باز نمی‌شود الآن اینها که در این آسمان‌ها رفت و آمد می‌کنند!

مطلب سوم آن است که ﴿وَأَوْحَىٰ فِي كُلِّ سَمَاءٍ أَمْرَهَا﴾ آنها مدبراتی دارند رهبرانی دارند فرشتگانی دارند که ذات اقدس الهی تدبیر آن امور را به اینها سپرده است. اگر کسی «ذی حجر» و عاقل باشد و خردورز باشد می‌تواند به عظمت این قسم‌ها پی ببرد؛ آن وقت هرگز ناامید نخواهد شد؛ نه از تحریم نه از غیر تحریم؛ منتها رابطه‌اش را با خدا کم نمی‌کند. این هر چه هست این است و اساس کار این است.

بنابراین یک وقت انسان می‌گوید که این گذشت، مردم سابق این طور بودند! نخیر نگذشت. کسی بگوید گذشته گذشت، نخیر! آن که گذشته را تدبیر کرد هم اکنون در کمین است؛ این برهان مسئله است. فرمود درست است که ما قوم عاد را از بین بردیم قوم ثمود را از بین بردیم قوم ثمود را از بین بردیم فرعون و همه اینها را در دریا انداختیم اما ما هستیم در کمین هم هستیم. پس نگوئید این ﴿وَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ غَافِلًا عَمَّا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ﴾ این مربوط به قیامت است! بله قیامت سرچایش محفوظ است اما دنیا بساط آن را جمع می‌کند. درست است که فساد است اما این طور نیست که به هر حال کسی چهار روز قدرت پیدا کرده جنگ جهانی اول و دوم را راه انداخت اینها حداقل یعنی حداقل از هفتاد میلیون که کمتر نقل نکردند تا صد میلیون هم گفتند. خطر جنگ جهانی اول و دوم حداقل هفتاد میلیون بود کاری از پیش نبردند؛ حالا از این ناچار هستند جنگ نیابتی دارند دخالت می‌کنند اسلحه می‌فروشند!

فرمود: ﴿إِنَّ رَبَّكَ لَبَالِمُرْصَادٍ﴾ عمده موحد بودن ماست همین! باور داشتن ماست.

پرسش: ...

پاسخ: نه، ﴿إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمِرْصَادِ﴾ چرا؟ چون ﴿فَإِنَّ اللَّهَ عَدُوٌّ لِلْكَافِرِينَ﴾ هر وقت آنها رفتند با دین مخالفت کنند بساط آنها را برچید.

پرسش: ...

پاسخ: سریع، برای اینکه مردم را نمی‌خواهد که رایگان بهشت بروند! مردم هم باید دستی دراز کنند تلاش و کوشش کنند. ببیند عالم، عالم کار است، حتی اگر کسی پیامبر هم باشد و پدر پیامبر یا مادر پیامبر باشد به هر حال یک گوشه باید دست دراز کند. در جریان مریم (سلام الله علیها) می‌دانید او برای اینکه از راه صحیح به دنیا آمده وقتی از راه صحیح به دنیا آمده از راه إعجاز به دنیا آمده، او گفت: ﴿رَبِّ إِنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا﴾^۱ مریم به دنیا آمده؛ ذات اقدس الهی از راه غیب او را مادر کرده است: ﴿فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا﴾^۲ از راه غیب مادر شد. حالا می‌خواهد او بار خود را به زمین بگذارد؛ این ﴿فَأَجَاءَهَا الْمَخَاضُ إِلَى جِذْعِ النَّخْلَةِ﴾^۳ آمد زیر درخت خرما خشک و تکیه‌گاهی پیدا کرد چون در آن جایی که بود معبد بود و جای برای زایمان نبود بیرون آمد. ذات اقدس الهی این درخت را که جذع نخل بود؛ مثلاً درخت خشک بود سرسبز کرد، یک؛ پر بار کرد، دو؛ میوه را فراهم کرد، سه. اگر خدا این شاخه را کمی خم می‌کرد که مریم می‌چید این چه می‌شد؟ فرمود تا اینجا کار ما است تو هم باید دستی تکان بدهی! ﴿وَهُزِّي إِلَيْكِ بِجِذْعِ النَّخْلَةِ تُسَاقِطُ عَلَيْكَ رُطْبًا جَنِيًّا﴾^۴ تو هم دستی دراز کن این شاخه را تکان بده میوه بچین. همه کارها به غیب سپردن حتی برای مسیح و مادر مسیح هم نشد اینجا جای کار است اصلاً. جهاد برای همین است مبارزه برای همین است امتحان برای همین است

۱. سوره آل عمران، آیه ۳۵.

۲. سوره مریم، آیه ۱۷.

۳. سوره مریم، آیه ۲۳.

۴. سوره مریم، آیه ۲۵.

وگرنه این شاخه‌های پر بار را اگر کمی خدا خم می‌کرد که وجود مبارک مریم (سلام الله علیها) می‌چید این مشکلی داشت؟ فرمود تو هم دستی تکان بده!

این عالم جای کار است غالب این جنگ‌ها همین طور بود، غالب این غزوه‌ها همین طور بود. وجود مبارک حضرت فرمود من منصور به رُعب بودم ترس مرا در دل دیگران خدا انداخت. انسان باید کامل بشود از چه راهی کامل می‌شود؟ با ایمان و عمل صالح کامل می‌شود با جهاد کامل می‌شود. ﴿وَلْتَبْلُوْكُمْ بَشٰیْءٌ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ﴾^۱ این جای آزمایش است؛ اما به هر حال انسان ضعیف قدرت ندارد که در برابر مستکبران آن طور قیام کند فرمود ما بساط همه را جمع کردیم الآن هم همین کار را می‌کنیم مبادا کسی بگوید آن روزگار گذشت نخیر! آن روزگار چه کسی بساط آنها را گذراند؟ «الله». الآن هم ﴿إِنَّ رَبَّكَ لَبَالْمُرْصَادِ﴾.

غرض این است که هیچ وقت انسان نباید ناامید باشد، یک؛ و اساس کار این است که خود را جزء مأموران و جنود الهی بداند و به حساب بیاورد، دو. نگوئیم ستاد الهی زیاد است و خودمان خارج از این ستاد بدانیم نخیر، ﴿وَمَا يَعْلَمُ جُنُودَ رَبِّكَ إِلَّا هُوَ﴾،^۲ ﴿لِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾^۳ اگر کسی موفق شد دشمنی را از درگاه مؤمنان و مسلمین و قلمرو اینها طرد کرد بگوید خدا را شاکر باشم که خدا به دست من این کار را انجام داد این می‌شود موحد. چرا در بخش پایانی سوره مبارکه «یوسف» فرمود: در اکثر مؤمنین یک غده بدخیم شرک است؟ ﴿وَمَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلَّا وَهُمْ مُشْرِكُونَ﴾^۴ خدا را ما قبول کردیم اما خدا را در گوشه‌ای - معاذالله - قرار دادیم خدا هست «ولی»! خدا هست «اما»! این «اما و ولی» جنود الهی هستند در برابر «الله» که نیستند. این از غرر روایات

۱. سوره بقره، آیه ۱۵۵.

۲. سوره مدثر، آیه ۳۱.

۳. سوره فتح، آیات ۴ و ۷.

۴. سوره یوسف، آیه ۱۰۶.

ما است که خدا مرحوم صدوق را غریق رحمت کند! این در کتاب شریف توحید او است که اگر کسی در قیامت این عرضه را داشته باشد بتواند بگوید «لا اله الا الله» این حتماً بهشت می‌رود: «مَنْ قَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُخْلِصًا دَخَلَ الْجَنَّةَ»؛ منتها اخلاصش در دنیا این است که «وَإِخْلَاصُهُ أَنْ تُحْجِزَهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عَمَّا حَرَّمَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ»^۱ همین! ما اگر در مشهد و محضر ذات اقدس الهی باشیم دعای ما مستجاب است؛ اینها را کسی گفت که جزء مطهرین است فرمود من ضامن هستم. در دوران کودکی آن فرمایش را فرمود که در آسمانی که مادی نیست فرشته‌ها هستند ﴿وَأَوْحَىٰ فِي كُلِّ سَمَاءٍ أَمْرَهَا﴾ دعا و آه مظلوم آنجا می‌رود؛ این قُرب و بُعد معنوی است مادی که نیست. فرمود: ﴿وَدَعَا الْمَظْلُومُ﴾ آه مظلوم تا آنجا می‌رود، این آه مگر صدایش چقدر است؟ این اصلاً صدای ندارد همان آنجا که نشسته یک آهی کشیده است؛ این معلوم می‌شود مجرد است و مادی نیست. فرمود آسمان ظاهر را می‌گویی «مَدَّ الْبَصَرَ» آسمان باطن را می‌گویند آه مظلوم است اینکه مظلوم است و به او اهانت شده اینکه آه کشیده آتش را به زحمت رفیقش نشنیده اما فرشته‌های آسمان شنیدند؛ این معلوم می‌شود که مادی نیست.

فرمود: ﴿إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمِرْصَادِ﴾ این اصل کلی است، ما بگوییم حالا گذشت آن دوران گذشت آن صحنه گذشت آن وضع گذشت آن تاریخ گذشت، نخیل! هر روز همین است اگر ه سعاد می‌گوید:

این همان چشمه خورشید جهان افروزست *** که همی تافت بر آرامگه عاد و ثمود

از این جاها یاد گرفته است؛ یعنی این فرق نکرده است؛ منتها حالا باید به جایی اینکه ﴿إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمِرْصَادِ﴾ بگوید، از صنع خدا از فجر خدا از شمس خدا از قمر خدا سخن به میان آورد.

«و الحمد لله رب العالمین»